

## ارسنجانی از نگاه برادر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهندس نورالدین ارسنجانی، دکتر ارسنجانی در آئینه زمان، نشر قطره، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۵۹۰ ص، ۲۶۰۰ تومان.

در فصل اول این کتاب تحت عنوان دکتر ارسنجانی در آئینه زمان، عناوین متنوعی که دربرگیرنده زندگینامه دکتر ارسنجانی تا زمان فوت ایشان در سال ۱۳۴۸ است، مطرح شده که خانواده، ایام کودکی، تحصیلات وی، شغل‌های موقتی، اشتغال در دانشکده حقوق و وزارت کشاورزی، آغاز دوره روزنامه‌نگاری و تجربه روزنامه داریا، تأسیس حزب آزادی و ... را شامل می‌شود. در واقع در این فصل مؤلف می‌کوشد اطلاعات شخصی خود و پاره‌ای اطلاعات مکتوب را درباره دکتر ارسنجانی ارائه دهد. همچنین چند مقاله انتشار نیافته از دکتر ارسنجانی درباره "طغیان جوانان" (صص ۱۹۰-۱۵۲) "نقش واتیکان جدید در جهان مسیحیت" (صص ۲۴۴-۲۳۸) نیز در این فصل گنجانده

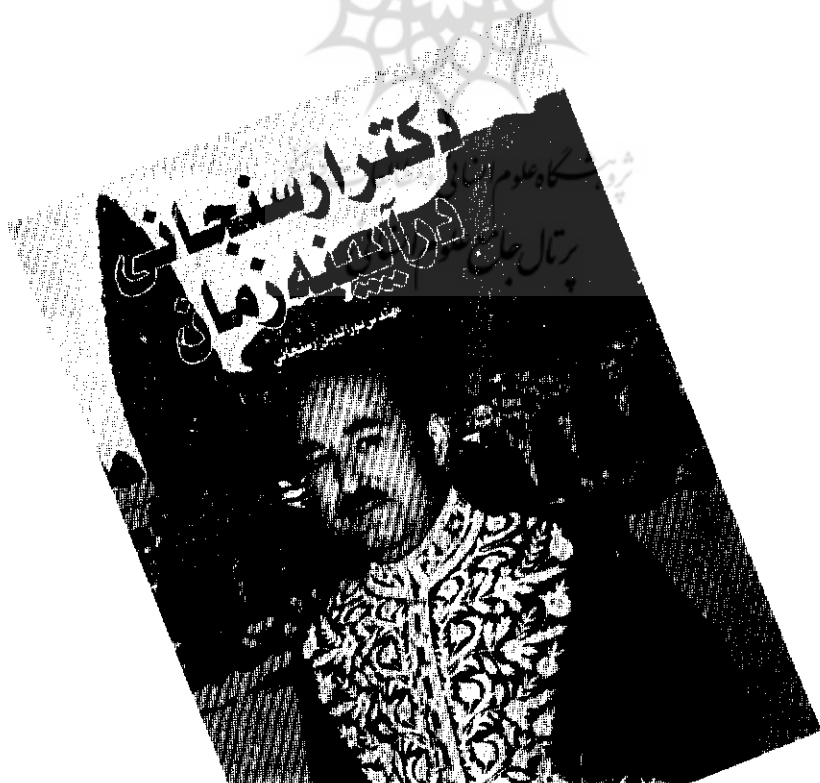
شده است. در این قسمت، مطالب و اطلاعاتی را که مؤلف از تاریخچه خانوادگی و شخصی خود ارائه می‌کند، درخور توجه و قابل استفاده است.

در فصل دوم، که عنوان "دکتر ارسنجانی و قوام‌السلطنه" دارد (از صص ۲۴۵ الی ۳۲۴) مؤلف ضمن نگاهی گذرا به زندگی قوام‌السلطنه نامۀ معروف ۲۶ اسفند ۱۳۲۸ وی به محمدرضا پهلوی در خصوص احتراز از تغییر قانون اساسی را آورده و دربارهٔ ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری قوام نیز بحث می‌نماید. یادداشت‌های سیاسی ارسنجانی از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ ش (صص ۲۵۵ الی ۳۰۸) از جمله مطالبی است که برای اول‌بار در این کتاب ارائه گردیده، سپس نامه‌های قوام‌السلطنه به دکتر ارسنجانی که از تاریخ ۱۹ دی ۱۳۲۶ تا ۲۵ فروردین ۱۳۳۰ ادامه داشته است، به همراه گراور اصل نامه‌ها با دست‌خط احمد قوام آمده‌اند. آگاهی مختصری دربارهٔ وجود دفترچۀ "یادداشت یا خاطرات" ارسنجانی، که صفحاتی چند از آن در ارتباط با تحولات اواخر عمر ارسنجانی مورد استفاده قرار گرفته است، این امید را تقویت می‌کند که شاید روزگاری کلیۀ این دفترچه به چاپ برسد. مؤلف در این فصل شخصیت قوام‌السلطنه را به بررسی نهاده و در بسیاری از محورهای شخصیت قوام را ستوده و عریضۀ سرگذشتۀ وی به محمدرضا پهلوی را هم‌چون سندی از ملت‌خواهی و قانون‌گرایی او نشان می‌دهد. سپس از خلال یادداشت‌های سیاسی دکتر ارسنجانی، چگونگی آشنایی وی با احمد قوام، تحلیلی از اوضاع داخلی ایران و اوضاع بین‌المللی در ایام مقارن با اتمام جنگ دوم جهانی، وضعیت فراکسیون‌های مجلس شورای ملی، و شرایط به قدرت رسیدن مجدد قوام در این دوره و شیوۀ برخورد وی با مسئلۀ آذربایجان و غیره می‌آید که به واقع از جمله نوشته‌های مهم و خواندنی دکتر ارسنجانی است.

در فصل سوم، با عنوان "اصلاحات ارضی" مباحث بسیار متنوعی از جمله چگونگی پیدایش مالکیت‌های بزرگ، اصلاحات ارضی در جهان، ضرورت اجرای اصلاحات ارضی در ایران، قانون اصلاحات ارضی و تغییراتی که دکتر ارسنجانی از آن دارد، و نیز نقش وی در مباحث جاری در این زمینه در دو دهۀ ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و سپس اجرای مصوبه اصلاحات ارضی و روند اجرای اصلاحات، نطق‌های مطبوعاتی وی مطرح شده است. بروز اختلاف‌نظر بین دکتر ارسنجانی و شاه و استعفای وی، و سلسله گزارش‌های مطبوعات از روند اجرای اصلاحات ارضی در مراغه، اظهار نظر برخی از شخصیت‌ها دربارهٔ چگونگی انجام اصلاحات ارضی توسط دکتر ارسنجانی، و بحثی در خصوص زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران و شرایط بین‌المللی که موجد اصلاحات ارضی در ایران بوده‌اند و ارائه خاطرات برخی رجال سیاسی داخلی و خارجی در این باره و در نهایت نامۀ

مهندس روحانی، آخرین وزیر کشاورزی حکومت پهلوی به مهندس بازرگان در دفاع از عملکرد و رشد کشاورزی در دورهٔ اخیر حکومت پهلوی از دیگر مباحث مطرح در این فصل هستند.

در این فصل مؤلف سعی دارد با بررسی گذرا و گاه اشاره‌وار به مهم‌ترین مسائل و بحث‌هایی که دربارهٔ ضرورت و روند اصلاحات ارضی در جهان و ایران وجود دارد، به برخی سوالات پیرامون نقش دکتر آرسنجانلی در این روند پاسخ دهد. تلاش مؤلف در تبیین علل دلسردی و کناره‌گیری تدریجی دکتر آرسنجانلی از جریان اصلاحات ارضی و سپس استعفای وی از وزارت، بر آن است که به نوعی ناکامی‌ها، شکست‌ها و استحالهٔ بعدی این جریان را توضیح دهد. توضیح مفصل و مطول ایشان دربارهٔ مراحل اجرایی اصلاحات ارضی، و خاصه گزارش‌های داریوش همایون و سایر چهره‌های مطبوعاتی آن زمان، تصویری از افکار عمومی و شرایط اجتماعی مقارن آغاز اصلاحات ارضی در ایران است. خاطراتی را که مؤلف از مطلعان سیاست و اقتصاد آن ایام آورده است، در واقع می‌توان ادامهٔ تلاش وی جهت جدا کردن مسئولیت دکتر آرسنجانلی از عواقب بعدی اصلاحات ارضی دانست. نامهٔ مهندس روحانی در دفاع از وضعیت کشاورزی و نفی نقلی انقلابیون مقطع ۱۳۵۷، مبنی بر از بین رفتن کشاورزی ایران، به نظر مؤلف می‌تواند دفاعیه‌ای از مثبت بودن اصلاحات ارضی ۱۳۴۰ به بعد باشد. کتاب در نهایت با یک فهرست از منابع و مأخذ پایان می‌گیرد.



دکتر ارسنجانی در *آیینة زمان* بر اساس دو بحث اصلی ابتناء یافته است: یکی زندگی و فعالیت‌های شخص دکتر ارسنجانی است و دیگری مسئله اصلاحات ارضی و نقش وی در آن. قبل از ورود به بحث اصلی کتاب باید اشاره کنیم که فقدان یک مقدمه مناسب در ابتدای کار از کاستی‌های آن است. مؤلف محترم می‌توانست با تدوین و قرار دادن یک گفتار مقدماتی، فضا سازی مطلوب جهت ورود به مباحث کتاب را تدارک ببیند. در واقع در مقدمه، مؤلف هدف خود از نوشتن کتاب را شیوه دست‌یابی و جمع‌آوری اسناد و مدارک مورد استفاده در کتاب، موانع و دشواری‌های پژوهش و سایر مسائل ضروری را با خواننده در میان نهاده، تا از همان ابتدا دیدگاه و نیز محدودیت‌های مؤلف مشخص گردد و خواننده بر اساس امکانات و مقدورات وی به قضاوت و داوری نتیجه کار بنشیند.

## آراء و افکار

در ابتدا لازم است اشاره شود که برای نوشتن زندگینامه چنین شخصیت‌هایی، توجه به قواعد و الزاماتی چند ضروری است، از جمله باید از هر گونه توصیف‌های غلوآمیز و غیر واقعی درباره شخصیت پرهیز نمود، تمام حقایق را باید گفت و نه بخشی از آن را. جزئیات زندگی فرد مورد بحث باید به صورت مرتب و بر اساس سنوات زندگی وی بیان شود. در بررسی زندگینامه دکتر ارسنجانی به نکاتی برمی‌خوریم که حاکی از نادیده انگاشتن این موارد است.

در بسیاری موارد مؤلف درباره شخصیت و افکار ارسنجانی داوری‌ها و ارزیابی‌هایی دارد که احساسی و غلوآمیز است. یک نمونه از این گونه داوری‌ها در ص ۲۱ دیده می‌شود، که دکتر ارسنجانی را با ابراهام لینکلن، کلمانسو، ناپلئون و غیره مقایسه نموده است. درهم‌ریختگی موردی در ذکر وقایع و جزئیات زندگی دکتر ارسنجانی، از دیگر موارد قابل بررسی کتاب است. من‌باب نمونه به چند مورد از این گونه موارد اشاره می‌شود. بحث راجع به صندوق‌های تعاونی که واقعه‌ای مهم در جوانی دکتر ارسنجانی است. پس از ذکر حوادث مربوط به جنگ جهانی دوم آورده شده (ص ۳۶) که درست نیست و مربوط به چند سال قبل‌تر از آن ایام است. در جای دیگری، هنگام بحث درباره وقایع سال‌های ۱۳۲۶، ناگهان بدون رعایت و در نظرگیری ترتیب وقایع، مسائل سال ۱۳۲۹ مطرح می‌شود (ص ۴۴). بار دیگر مطالبی مربوط به ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را ملاحظه می‌کنیم ولی بلافاصله نامه‌ای با تاریخ ۱۳۲۸/۳/۲۸ که می‌بایست در جای اصلی خود آورده می‌شد، ارائه می‌شود (ص ۸۰ به بعد). همین‌گونه است ماجرای جلسه دفاعیه دکتری ارسنجانی، که در ص ۹-۲۰۸، آورده شده است. هنگامی که وقایع و سرگذشت دکتر ارسنجانی در حدود ۱۳۴۱ بررسی و بازگو می‌شود، ناگهان

خواننده به مسائل دهه ۲۰ و مسئله تجزیه نواحی ایران و مقالاتی که دکتر ارسنجانی در آن ایام نوشته بود، بازگشت داده می‌شود (ص ۱۲۴-۱۲۶). چنین آشفتگی که در ارائه جزئیات مهم حیات فکری و سیاسی دکتر ارسنجانی راه یافته است، ارزش و اهمیت برخی از فعالیت‌ها و اقدامات مهم و مؤثر وی را می‌کاهد.

در ارائه زندگینامه افراد باید دقت لازم صورت گیرد تا کلیه واقعیت‌ها و مسائل مهم زندگی فرد مورد بحث، طرح و بررسی گردد. حذف یا سکوت در قبال برخی از واقعیت‌های زندگی فردی یا سیاسی و اجتماعی وی، اغلب نتایج دلخواه را به بار نمی‌آورد. مؤلف محترم در مواردی چند، در قبال پاره‌ای از واقعیت‌های زندگی و فعالیت‌های دکتر ارسنجانی تغافل نموده‌اند که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود: درباره کشتار سی تیر ۱۳۳۱ و مسائل مختلفی که درباره آن وجود، و برخی از منابع به آن اشاره دارند (مثلاً بهزادی. شبه خاطرات. ج ۱، ص ۲۹). مؤلف اظهار نظر و ارزیابی خاصی ارائه نمی‌کند. یا در بحث اصلاحات ارضی برخی از جنبه‌های بالنسبه مهم موضوع گنجاخته شده است. من جمله مسئله مخالفت بخشی از روحانیت با جریان اصلاحات ارضی و به ویژه موضوع تلگراف معروف دکتر ارسنجانی به یکی از آیات عظام قم که سبب واکنش تند آنان به این اقدام او گردید. یا در هنگام بحث از وصیت‌نامه دکتر ارسنجانی، با این که مؤلف بسیار از نامرادی‌ها و ناجوانمردی‌هایی که در این باره ظاهر شده است را برمی‌شمرد از آوردن متن اصل وصیت‌نامه جنجالی دکتر ارسنجانی، خودداری ورزیده است (ص ۱۹۷). در همان موقع مسئله دارائی‌های چشم‌گیر و خاصه پول نقد وی در حسابی در بانک اسرائیل و ... شایعاتی را سبب شده بود که جا داشت مؤلف محترم در صدد طرح و بحث آن نیز برمی‌آمد.

به همین نسبت در بررسی سیر تحولات زندگی ارسنجانی علل عطف توجه ایشان به مقوله شرکت‌های تعاونی در ایام خدمت در بانک کشاورزی، روند قرارگیری در مواضع ضدیت با دول محور و درگیری بعدی با سیاست روس و انگلیس و حمایت ضمنی از سیاست امریکا در ایران، توضیح تحلیلی و قانع‌کننده‌ای داده نشده است. مهم آن که جا داشت مؤلف محترم ضمن تشریح جریان تأسیس حزب آزادی با تحلیل مرامنامه آن حزب، نسبت آن را با آرای بعدی دکتر ارسنجانی سنجیده و تغییرات یا استمرار عناصر فکری و اندیشه ایشان در مقطع زمانی و شرایط سیاسی-اجتماعی وقت را ارزیابی نماید. گذشته از بسیاری موارد که در دهه بیست درباره دکتر ارسنجانی می‌بایست مورد چنین ارزیابی و تحلیلی قرار می‌گرفت، در موارد بسیار مهم‌تری نیز از این امر غفلت شده است. در این کتاب نیز دکترای ارسنجانی به عنوان یکی از فرایندهای فکری وی در جایگاه خاص

زندگینامه‌ای او مورد بررسی قرار نگرفته است و صرفاً در برخی نقاط کتاب به صورت کاملاً حاشیه‌ای و به نقل از یک مقاله از مجله *بامشاد* (صص ۱۴۵-۱۵۲) عنوان شده که دکتر ارسنجانی در تز دکترای خود خواستار تشکیل دولت متحده جهانی، و یا سلب حق وتوی قدرت‌های بزرگ و غیره شده بود، که چون زمینه‌های پیدایش چنین فکری نزد دکتر ارسنجانی بررسی نشده است، برای خواننده مشخص نمی‌شود که چنین نظریاتی به چه منظور و در پاسخ به چه مشکلی ارائه شده‌اند.

ایام روابط نزدیک دکتر ارسنجانی با دکتر امینی تا مقطع شروع اصلاحات ارضی، دورهٔ سفارت وی در ایتالیا و سپس نحوهٔ دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وی می‌بایست به بحث گزارده شده و چگونگی رسیدن او به یک دیدگاه جدید در مسائل مزبور، پی‌گیری می‌گردید. به علاوه اگر از آراء و نظریات وی در خصوص مسائل مختلف جمع‌بندی‌های متنوعی صورت می‌گرفت فوائد بیشتری حاصل می‌گشت تا نقل کامل مجموعه آن سخنرانی‌ها و مقالات مفصلی که من‌باب تشریح نظرات ارسنجانی در کتاب گنجانیده شده است، (مانند بخش اعظم سخنرانی‌های تبلیغی او دربارهٔ اصلاحات ارضی).

گاه مضامینی دربارهٔ ارسنجانی در کتاب آمده است که نیاز به تجزیه و تحلیل و تشریح دقیق‌تری دارد. مثلاً دربارهٔ این نظریهٔ وی در خصوص لزوم اعلام جنگ به دول محور و تشکر سهیلی نخست وزیر از وی (صص ۳۴-۳۶). این که اساس استدلال دکتر ارسنجانی چه بوده و آیا آنچه که بعداً در نتیجهٔ این اقدام حاصل شد منظور نظر او بوده است یا خیر. از نامهٔ سرگشادهٔ او خطاب به سفیر امریکا در ایران در نقد سیاست شوروی و انگلیس در ایران یاد می‌شود (ص ۶-۴۵) در حالی که تحلیل و ارزیابی مستقلی از محتوا و مضمون نامه به دست داده نشده. در توضیح تلاش‌ها و عملکرد مطبوعاتی و سیاسی ارسنجانی دربارهٔ موضوع مهم نفت به ارائهٔ مطالب پراکنده‌ای از مقالات *داریا* اکتفا شده. و علیرغم عنوان نمودن این نکته که وی پیشنهاد طرح مسئله نفت در دههٔ ۱۳۲۰ بوده است (ص ۴۱-۴۰) از پیگیری موضوع تا سرانجام ملی شدن صنعت نفت که از طریق تحلیل و بررسی مسئله مقالات ارسنجانی دربارهٔ مسائل راجع به نفت ممکن می‌شد، دریغ شده است. همین گونه است جای خالی یک ارزیابی کلی از حیات اجتماعی روزنامهٔ *داریا*، که در واقع زبان مکتوب ارسنجانی در یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران بوده است. مسئله اصلاحات ارضی نیز در این کتاب چنین حالتی دارد. مشخص نیست ارسنجانی از موضع سیاسی وارد بحث اصلاحات ارضی می‌شود یا منظر و نگاه وی یک دید اقتصادی است؟ مؤلف تأکید دارد ارسنجانی از دههٔ سوم قرن حاضر - از نوجوانی - از استثمار فشر کشاورز در ایران ناراحت بوده است (ص ۳۵۱-۳۵۰) در این زمینه مسئله بررسی اعتبارنامه نمایندگی

وی در مجلس شورای ملی و حملات شدید به برخی بزرگ مالکان (ص ۸۸) و آنگاه سرمقاله‌های *داریا* در این خصوص، طرح تقسیم اراضی خالصه و تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی که به رزم‌آرا ارائه می‌شود، به دست داده می‌شوند. اما دیدگاه کامل ارسنجانی دربارهٔ این قضیه تا آستانه شروع اصلاحات ارضی به صورت مدونی ارائه نمی‌شود. تا امکان فهم الگوی مناسب چنین زمینه‌ای و نهادهای مبتنی بر آن و مناسبات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی که دکتر ارسنجانی بدان دعوت می‌کرده است، فهمیده شود؟ آیا ایشان تنها به تقسیم املاک خالصه توصیه می‌کرده است، مانند دورهٔ رزم‌آرا، آیا این برنامه تنها یک شعار در مبارزات سیاسی جبهه اجتماعی که ارسنجانی سخنگوی آن است با جبهه مقابل که متشکل از بزرگ مالکان و سایر اقدار نزدیک به آن‌ها بوده است یا سخن از مباحثی دیگر است؟ این اشکال دربارهٔ نظریات ارسنجانی در خصوص سوسیالیسم دموکراتیک نیز باقی است. اگر به جای ارائه پیشگفتار مجله *بامشاد* بر مقالات دکتر ارسنجانی (ص ۱۳۶)، به نقد و تحلیل و ارزیابی مضمون نظریات دکتر ارسنجانی در این خصوص پرداخته می‌شد، فواید بیشتری حاصل می‌شد.

در واقع هر یک از موضوعاتی که به عنوان مثال ارائه شدند می‌توانند به عنوان یک نقطه عطف، تحول و یا یک مشغله ذهنی نزد ارسنجانی در نظر گرفته شوند.

## ادوار زندگی

مهم‌ترین نکته‌ای که باید دربارهٔ زندگینامهٔ ارسنجانی مورد توجه قرار دارد لزوم رسیدگی جزئ به جزء به ادوار و تحولات این زندگی است.

انتظار می‌رود در زندگینامهٔ دکتر ارسنجانی، بیشتر جزئیات مهم و مؤثر در حیات فردی و اجتماعی او، مورد اشاره و بررسی لازم قرار گرفته باشد. در حالی چنین نشده و چه بسا از قلم افتادن برخی جزئیات حساس، شائبهٔ ارزیابی جانبدارانه از سوی مؤلف را تقویت می‌نماید. حال به بررسی برخی از نکات مهم زندگی ارسنجانی که متأسفانه در بخش مربوطه نیامده است پرداخته، و توضیحات لازم را به اختصار ارائه می‌نمایم

۱- قضیه استخدام ارسنجانی در بانک کشاورزی که ارائه طرح شرکت‌های تعاونی روستایی در خلال آن پیش آمد، به گونه‌ای ناقص و کم‌اهمیت در کتاب آمده است (ص ۳۶).

۲- فعالیت‌های آغازین ارسنجانی در عرصه مطبوعات که با قلم زدن در روزنامه تجدید ایران، نیرو، ایران ما و غیره شروع شد، به صورت درست و مرتب مورد بحث قرار نگرفته است. بلکه در سایر بخش‌های کتاب به اطلاعات پراکنده‌ای در این خصوص بر خورد می‌کنیم.

۳- درباره فعالیت ارسنجانی در "حزب پیکار" و همکاری سیاسی با خسرو اقبال و جهانگیر تفضلی، که در مرامنامه حزبشان اصولی چون تحدید مالکیت اراضی کشاورزی و غیره وجود داشت، نیز آگاهی درخور توجهی ارائه نمی‌شود. (جهت اطلاع در این باره ر.ک مجله خوشه ۴۰/۱۱/۲۲ ص ۸ و ۸) بررسی مرامنامه و مشی سیاسی حزب پیکار که ظاهراً در حدود سال ۱۳۲۱ منحل شد، در تبیین تحول و تغییرات مواضع سیاسی و فکری ارسنجانی می‌توانست سودمند واقع شود.

۴- به همین ترتیب به نحوه مشارکت ارسنجانی در فعالیت‌های "حزب میهن پرستان" که یک سال به طول کشید نیز اشاره‌ای نمی‌شوند.

۵- ارسنجانی مقارن تأسیس روزنامه *داریا* در سال ۱۳۲۳ به عنوان وکیل دادگستری نیز مشغول کار شد (بهرادی، شبه خاطرات، ص ۱۹) مسئله وکالت و پرونده‌هایی که ارسنجانی دفاع از آن‌ها را بر عهده گرفت، از جمله نکاتی است که مؤلف محترم، به ندرت و آن هم به صورت اتفاقی به آن اشاره کرده است. به این موضوع باز هم اشاراتی خواهیم داشت.

۶- از جمله نکات مغفول درباره فعالیت‌های مطبوعاتی این ایام ارسنجانی، مقالات تحریک‌کننده‌ای است که گفته می‌شود وی علیه اقلیت‌های مذهبی منتشر کرد و اتخاذ رویه‌های نزدیک به حزب توده (مجله *بامداد*، ش ۱۲، ۵۲/۲/۳۰، ص ۵)، و الحاق روزنامه *داریا* به ائتلاف جبهه آزادی با همکاری حزب توده. (آبراهامیان، ص ۳۶۹)

۷- به سفر ارسنجانی به نمایندگی از سوی دولت ایران - دوره احمد قوام - به کنفرانس کار در ژنو (ظاهراً ۱۳۲۴ ش) در جای خود اشاره نشده و در ارزیابی از این سفر و عملکردهای ایشان و نتایج که احیاناً در برداشته است، مطلبی نیامده است.

۸- بنا به گزارش شهربانی کل کشور، ارسنجانی در تاریخ ۱۳۲۵/۳/۶ در محل کلوب آزادی در باب مسائل سیاست‌های روز سخنان تندی ایراد کرد و از دولت خواست لایحه قانونی تقسیم اراضی را به مجلس ببرد، تا امکان افزایش محصول کشاورزی و کاهش فقر رعایا مهیا شود، هم‌چنین دولت را به دخالت و کنترل در امور کارخانه‌ها جهت احقاق حق کارگران فراخواند. در سیاست خارجی نیز از سیاست موازنه مثبت دفاع کرد. (بنگرید به بخشی از اسناد شهربانی کل کشور در آرشیو فرهنگ

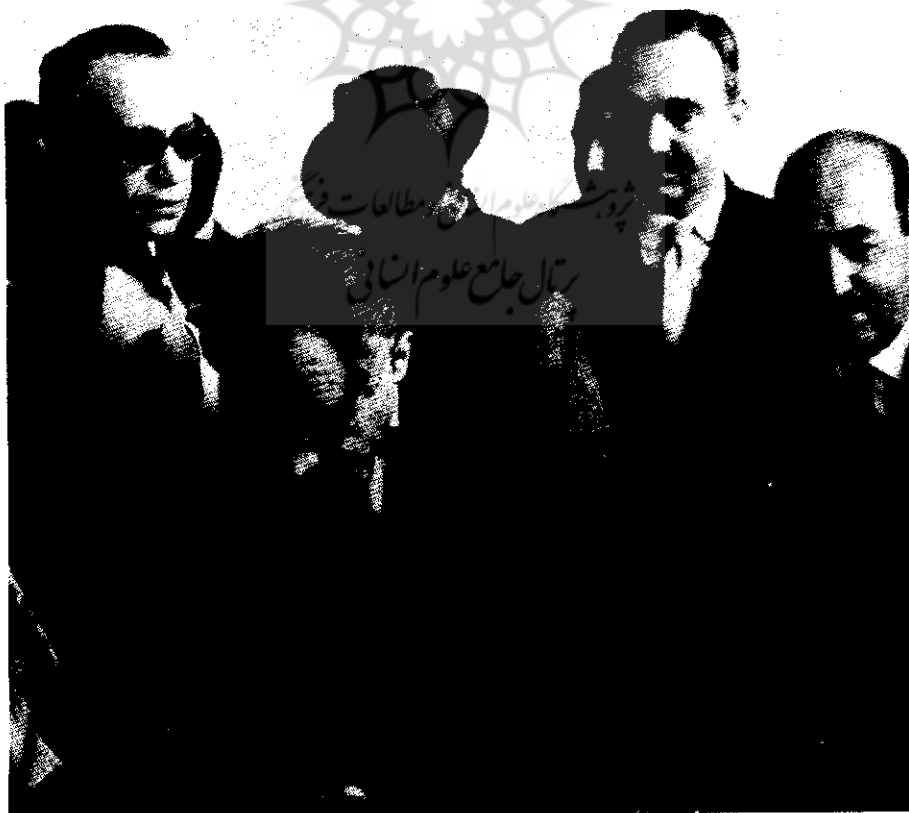


ناموران فرهنگ معاصر ایران، مدخل ارسنجانی) در کتاب حاضر از این گونه فعالیت‌های ارسنجانی آگاهی در دست نیست.

۹- با سقوط دولت احمد قوام، ارسنجانی و دوستانش توسط هیأت سری تصفیه، از رهبری حزب دموکرات کنار نهاده شدند. (آبادیان، *زندگی سیاسی مظفر بقایی*، ص ۸۱) به این واقعه مهم در کتاب اشاره‌ای نشده است.

۱۰- پس از کناره‌گیری از امور سیاسی، ارسنجانی مجدداً به روزنامه‌نگاری و مشاغل وکالتی روی آورد. وی در این زمان توانست با استفاده از نفوذ قبلی به وکالت بانک ملی ایران انتخاب شده و مدت‌ها در این سمت مشغول کار بود.

۱۱- با آغاز قدرت‌گیری سرلشگر رزم‌آرا، ارسنجانی به همراه برخی دیگر از هواداران احمد قوام به صورت محرمانه به اوزندیک شدند (عظیمی، *بحران دموکراسی در ایران*، ص ۳۳۰)، و ظاهراً روزنامه *داریا* نیز به عنوان ارگان گروه رزم‌آرا درآمده و رزم‌آرا گاه مقالاتی به نفع اهداف سیاسی خود در *داریا* می‌نوشت. (مهدی‌نیا، *زندگی سیاسی رزم‌آرا* ص ۲۲۹). صحت و سقم این بخش از فعالیت‌های ارسنجانی، مورد اشاره مؤلف قرار نگرفته است. اما پس از نخست‌وزیری رزم‌آرا، همکاری دکتر ارسنجانی آشکار شده و وی سمت مشاور خصوصی نخست‌وزیر را یافت. هر چند روزنامه *داریا*



به دلیل سرمقاله "یک مقایسه" برای همیشه در محاق توقیف افتاده بود (۱۳۲۹). ارسنجانی بعدها در مصاحبه‌ای در این خصوص به این تجربه اشاره می‌کند که مؤلف کتاب آن را به صورتی محدود آورده است. در واقع توضیحات ارسنجانی زوایای مسئله مورد بحث را به خوبی روشن می‌کند. وی بعدها گفته بود: "... در دوره رزم‌آرا شروع فعالیت اصل ۴ در ایران و براساس تجربیات قبلی طی ۶ ماه مطالعه قوانین و مقررات کشورهای مختلف دنیا، پروژه‌ای جهت تقسیم مالکیت‌های بزرگ تهیه و در کمیسیون حقوقی جهت تطبیق کلیه قوانین شرعی-عرفی مملکت بررسی و عدم مغایرت آن با قوانین مزبور و بی‌نیازی اجرای این طرح از تصویب قوانین جدید ثابت شد." (مصاحبه با دکتر ارسنجانی، ستاره تهران، ش ۱۱۷، ۴۰/۲/۲۰، ص ۴) ظاهراً در این جا منظور از مالکیت‌های بزرگ، باید املاک خالصه و دولتی بوده باشد، چرا که از نامه ارسنجانی مندرج در کتاب حاضر نیز همین برمی‌آید. توجه به تذکری که ارسنجانی به ارتباط طرح با قضیه اصل ۴ می‌دهد، درخور توجه است. ترور رزم‌آرا سرنوشت این طرح را در محاق فرو برد.

۱۲- در اسناد شهربانی از سلسله فعالیت‌های ارسنجانی علیه دکتر مصدق آگاهی‌هایی به دست می‌آید ظاهراً در پی نطقی که وی در "جمعیت رفقا" علیه دکتر مصدق ایراد کرد، دولت تصمیم به انحلال جمعیت مزبور گرفت (پرونده دکتر ارسنجانی در شهربانی، اسناد شماره ۷-۶۱). در تداوم همین گزارش‌ها آمده است ارسنجانی به وساطت دکتر سیدحسین فاطمی چند ماهی همکاری محرمانه با دکتر مصدق داشته، ولی به دلایلی بعداً از سوی مصدق طرد می‌شود. گزارش‌های شهربانی ارسنجانی را به ایجاد تحریکاتی در بین کارگران تهران بر ضد دکتر مصدق و هواخواهی از احمد قوام متهم کرده است (همان، گزارش‌های مورخ ۱۳۳۰/۲/۱۱).

۱۳- این مقطع از زندگی ارسنجانی، در کتاب حاضر، با بی‌اعتنایی روبه‌رو شده و لذا همچنان روابط احتمالی او با جبهه متحدین دکتر مصدق و نیز شخص وی در پرده ابهام و باقی است. همکاری ارسنجانی با گروهی از وکلای هوادار نهضت ملی شدن نفت چون حسین مکی، حائری‌زاده و دیگران (ص ۷۴) یا حمایت‌های مطبوعاتی ارسنجانی از روند ملی شدن نفت (ر.ک صص ۶۶ الی ۷۴) به معنای جهت‌گیری ثابت و مشخص ایشان تا روی کار آمدن حکومت احمد قوام در اواخر تیر ۱۳۳۰ نیست. طبیعی است وقتی که ارسنجانی را در پست بسیار مهم معاونت سیاسی احمد قوام در حکومت چهار روزه وی ببینیم، باید درباره ماه‌ها و روزهای نزدیک به ایام صدارت چهار روزه، با دقت بیشتری به فعالیت‌های جبهه هوادار قوام‌السلطنه و به ویژه ارسنجانی نگاه شود.

۱۴- در این کتاب از تلاش‌های ارسنجانی در خلال انتخابات دوره هفده مجلس شورای ملی آگاهی در دست نیست. وی در این انتخابات از حوزه ساوجبلاغ کاندیدا شده. ولی از رقیب متنفذ خود - کهید- شکست خورد. (سپید و سیاه. ش ۳۷، ۴۲/۱/۲۴، ص ۱۲)

۱۵- فعالیت‌های ارسنجانی در دولت زاهدی نیز از جمله مواردی است که این کتاب درباره آن خاموش است. به گفته جیمز بیل، ارسنجانی که از مدتی قبل همکاری خود را با امینی شروع کرده بود. در زمان وزارت دارایی او در دولت سپهبد فضل‌الله زاهدی در جریان انعقاد قرارداد کنسرسیوم با دولت ایران، با علی امینی به گونه‌ای غیر رسمی همکاری می‌کرد. (بیل، شیر و عقاب، ص ۲۰۳) به گزارش اسناد شهربانی کل کشور، ارسنجانی مقالاتی علیه دکتر مصدق و به نفع کنسرسیوم در جراید نوشته و به تهیه گفتارهایی در رادیوی دولتی ایران پرداخت. (پرونده شهربانی، سند ش ۵-۶۱) در تداوم این همکاری دکتر امینی سه حکمیت بزرگ بین شرکت‌های خصوصی با وزارت دارایی (مانند خرید ۱۰۰ دستگاه ماشین‌های دیزل ماک توسط اداره قند و شکر) را به وی احاله داد که مبالغ هنگفتی حق‌الوکاله عاید وی نمود. (اسناد شهربانی، س.ش ۷-۶۱)

۱۶- در بخش زندگینامه ارسنجانی توجه زیادی به تحصیلات ایشان نشده است. شایسته بود حداقل عنوان رساله تحصیلی مقطع لیسانس ایشان از کتابخانه گروه حقوق دانشگاه تهران جستجو و ارائه می‌شد. همین‌گونه شروع و ختم تحصیلات مقطع دکتری حقوق ایشان نیز به صورت مناسب طرح و بررسی نشده است. فقط در مطلبی به صورت غیر مستقیم و از قول افسراد دیگری اطلاعات ناقصی در این باره ارائه شده است. (ص ۱۱۵ و ص ۲۰۹) لازم به تذکر است ارسنجانی در سال ۱۳۳۳ به عنوان اولین گروه پذیرفته‌شدگان دوره دکتری حقوق در دانشگاه تهران به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۳۰ آذر ۱۳۳۸ به دفاع از رساله دکترایش تحت عنوان "حاکمیت دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی" پرداخت و اعضای هیأت رسیدگی‌کننده مرکب از دکتر متین‌دفتری، دکتر کیهان، دکتر سرداری، به وی درجه "بسیار خوب" اعطا کردند. (کریمیان، مقاله ارسنجانی، گنجینه اسناد، ش ۳ و ۴، ۱۳۷۴، ص ۸۷)

۱۷- در خصوص تشکیل "جمعیت آزادی ایران" توسط ارسنجانی توضیحات درخور توجهی ارائه نشده است. ظاهراً در مذاکرات اسدالله علم با ارسنجانی طرح راهاندازی یک "حزب سوم" که خصلت غیر دولتی و روشنفکرماناانه داشته باشد، آغاز گردیده و ارسنجانی پیشنهادهای کمک مالی درباره راه جهت ممانعت از شایعات بعدی رد کرده است. شروط ارسنجانی جهت شروع کار مجدد سیاسی و تشکیل "جمعیت آزادی ایران"، آزادی عمل در تحریر مقالات، نطق و ابراز عقیده و نگارش اصول

مرامنامه و تماس با گروه‌های چپ و حتی مخالفان دولت مانند جبهه ملی و غیره بود که مورد قبول اسدالله علم واقع شد. لذا ارسنجانی به اتفاق دکتر محمد شاهکار، شهاب فردوس و مهندس کاظم جفرودی و دیگران "جمعیت آزادی ایران" را با مرامنامه مترقی -سوسیال دمکراتیک- که پی‌گیری برنامه تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را دنبال می‌کرد، در پاییز ۱۳۳۶ تحت رهبری خود، تشکیل داد. این ایام مقارن با آغاز مجدد انتشار مقالاتی توسط ارسنجانی بود که در مجله بامشاد توأم شد که در ضمن آن در دفاع از دکترین آیزنهاور، دفاع از حزب ایسران و اعلامیه اللهیار صالح مطالبی آمده بود. (اسناد شهربانی، سند شماره ۳۴)

۱۸- ماجرای دستگیری ارسنجانی و انحلال "جمعیت آزادی ایران" (اسفند ۱۳۳۶) نیز از جمله مواردی است که می‌بایست بیش از این مورد توجه قرار می‌گرفت. مطالبی به صورت موجز درباره کودتای تیمسار قرنی در صفحات ۲۰۶ و ۲۰۸ در خلال خاطرات دکتر علی امینی در بخش انتهایی کتاب (ص ۵۴۸) آمده است، که البته دکتر امینی بازیرکی خاصی مطلب را سر بسته باقی می‌گذارد. در حالی که این مقطع از زندگی ارسنجانی نیز شایسته توجه ویژه‌ای است. چون در انتهای این دوره است که وی در سمت وزارت کشاورزی در دولت دکتر امینی ظاهر می‌شود. لذا می‌توان فرض کرد که در خلال سال‌های مزبور ۱۳۴۰-۱۳۳۶ روابط دکتر امینی-ارسنجانی تداوم داشته و مسائل مختلفی که در خصوص روابط دکتر امینی با سیاست خارجی آمریکا در ایران مطرح است، بر حلقه دوستان ایشان نیز قابل تسری می‌باشد.

۱۹- از جمله فعالیت‌های درخور توجه ارسنجانی در خلال سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۶، تصدی وکالت بانک رهنی (به نقل از روزنامه کرمانشاه، ش ۳۸۸۸۵، خرداد ۱۳۴۱، ص ۴) و نیز تقبل وکالت پرونده معروف ورثه عباس اسکندری است (دکتر ارسنجانی، ص ۲۱۳). ارسنجانی به توصیه اسدالله علم وکالت احترام‌الملک ذوالقدر شیرازی، همسر دوم عباس میرزا اسکندری را پذیرفت و توانست با احیای حساب‌سری وی در بانک سوئیس، حق‌الوکاله هنگفتی دریافت دارد. (بهزادی، همان، ص ۴۲)

۲۰- ارسنجانی در ابتدای دوره وزارت، سفری رسمی تحت عنوان وزیر کشاورزی به اروپا انجام داد که در خلال آن مسائل مربوط به اصلاحات ارضی را بررسی و مذاکراتی در خصوص صدور کالاهای زراعی ایران به آلمان غربی انجام داد. (روزنامه ستاره تهران، ش ۱۵۷، ۴۰/۴/۱۸، ص ۱۰۸) قضیه این سفر و مطالعات و مذاکراتی که در این زمینه جریان داشت نیز می‌توانست در این کتاب مورد توجه قرار گیرد. به همین ترتیب نیز ملاقات مهم وی با چستر باولز فرستاده پرزیدنت کندی در

بهمن ماه سال ۱۳۴۱ که در خلال این دیدار، ارسنجانی گزارشی از پیشرفت امور اصلاحات ارضی در ایران به وی ارائه کرد. (بیل، همان، ص ۱۹۵)

۲۲- به طوری که در جای دیگر متذکر شدیم. تلگراف تبریک ارسنجانی در آستانهٔ عید فطر، به آیت‌الله سیدمحمد گلپایگانی در قم که در آن از حمایت مراجع از برنامه اصلاحات ارضی تشکر شده بود (سفری، قلم و سیاست، ج ۲، ص ۴۵۷). با واکنش تند ایشان علیه وزیر و برنامه اصلاحات ارضی مواجه شد.

۲۲- در جریان استعفای دکتر علی امینی از پست نخست‌وزیری، برخی انگشت تحریکات وی را نیز خاطر نشان ساخته‌اند. شایسته بود مؤلف به اختصار نظرات مختلف را طرح و بررسی می‌کردند. به هر حال تداوم حضور ارسنجانی در کابینه بعدی، از نظر تاریخی جای تفحص بیشتر دارد. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ج ۱، صص ۹-۸)

۲۳- در مدت سفارت کبیری ایشان در ایتالیا، حساب هزینه نامحدودی از سوی محمدرضاپهلوی در اختیار وی نهاده شده بود. (سناد لانه جاسوسی، ج ۷) اما از عملکرد مختلف ارسنجانی در سفارت رم اطلاعات زیادی در دست نیست. مسئله مهم در این ایام روابط نزدیک وی با محافل سوسیال دموکراسی ایتالیا بوده است. و ظاهراً از این طریق موفق شد تدارک و زمینه‌های سفر



ریاست جمهور سوسیالیست ایتالیا، که از دوستان سابق وی بود، را به ایران مهیا کند (بهزادی، همان، ص ۴۴) از مسائل دیگری که در طول مدت سفارت ارسنجانی در رم قابل ذکر است، اما در زندگینامه وی نیامده است، آشنایی ایشان با خانم مریم دفتری و ازدواج با ایشان است.

۲۴- قضایای منتج به برکناری ارسنجانی از سفارت ایتالیا نیز به طرز شایسته ای در زندگی نامه ایشان طرح و بررسی نشده است. قضیه استعفای وی از سفارت ایتالیا که ظاهراً به اجبار صورت گرفته است به عوامل و علل مختلفی نسبت داده می شود که برخی از آنها را آقای بهزادی (همان، ص ۴۴-۴۵) مورد اشاره قرار داده است. بعداً مسئله بی اعتنائی حکومت به ارسنجانی که تا ایام مرگ او تداوم داشت، دارای آن درجه از اهمیت بود که مؤلف زندگینامه تلاشی جدی در بررسی قضیه مزبور صورت می دادند.

۲۵- در فاصله سال‌های بین ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ ارسنجانی به امور مختلفی رسیدگی کرد که در این یادداشت فقط به مواردی که مؤلف زندگی نامه بدان‌ها اشاره‌ای نکرده است، اکتفا می‌شود:

- متارکه ارسنجانی با همسرش (ظاهراً ۱۳۴۴). به علاوه وی در این سال‌ها مسافرت‌های متعددی به خارج از کشور انجام می‌داده است که متأسفانه توضیحی کافی در این باره داده نشده است که سفرهای وی کاری و حرفه‌ای بوده است یا جهت امور دیگری صورت می‌گرفته و به هر حال نتایج آن چه بوده است.

- ظاهراً وکالت ارسنجانی در پرونده خرم، مقاطعه کار معروف علیه شهرداری تهران در این زمان صورت گرفته است. (بهزادی، همان، ص ۴۱) و همین طور ارسنجانی به توصیه اسدالله علم وکالت همسر دوم حسینعلی منصور در خصوص دعوی مربوط به میراث و ماترک وی را به عهده گرفت و موفق شد نصف دارایی و ارثیه نخست وزیر متوفی را برای موکل خود از علی منصور پس بگیرد و نیز وکالتی که در پرونده مقاطعه کاری علیه سازمان برنامه کشور بر عهده گرفته بود سبب محکومیت اولیه سازمان مربوطه و تعلق مبالغ هنگفتی به وی شد، شایع بود این ثروت‌ها را در جهت تأسیس حزب جدیدی به مصرف خواهد رساند. لذا با دخالت وزیر اقتصاد وقت نتیجه دادرسی تغییر یافت و این امر سبب شد ارسنجانی به درج مقالات انتقادی تندی در روزنامه *بامشاد* علیه وزیر اقتصاد بپردازد. (پرونده شهربانی، سند ۸۱).

- مؤلف زندگینامه در خصوص وصیتنامه ارسنجانی مسئله را یک‌جانبه طرح کرده‌اند. چرا که وکیل همسر سابق ارسنجانی موفق شد با توجه به ایرادات حقوقی وصیتنامه حکم ابطال آنرا بگیرد. مسئله مهم در خصوص این دعوای خانوادگی در نتایج آن بود. افشاگری‌های دو طرف علیه همدیگر

سبب جلب توجه مطبوعات به قضیه شده و برخی از اسرار زندگی خصوصی ارسنجانى حساسیت‌هایی را در جامعه ایجاد کردند. از جمله ثروت بسیار زیاد وی و حساب بانکی وی در بانک تجارت خارجی اسرائیل ابهاماتی را پدید آورد. به نظر ریچارد کاتم محقق امریکایی نقش ارسنجانى در دوره وزارتش در قبولاندن و ترغیب محمدرضا پهلوی به پذیرش پذیرش "دوفاکتو"ی رژیم اسرائیل در این ایام، بسیار مؤثر بوده است. (کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ص ۴۵۲).

## اصلاحات ارضی

بخش دوم کتاب حاضر به ظاهر یکسره اختصاص به بحث اصلاحات ارضی و بررسی نقش ارسنجانى در فعال کردن طرح و قانون در حال رکود اصلاحات ارضی و سپس اجرای آن در منطقه مراغه و مسئله کناره‌گیری ارسنجانى از وزارت کشاورزی و سایر مسائل مربوط است. این بخش از کتاب - که مهم‌ترین بحث کتاب حاضر، به دلیل اهمیت موضوع اصلاحات ارضی، محسوب می‌شود - حجم نسبتاً زیادی را نیز به خود اختصاص داده است (صص ۵۹۰-۳۲۵).

مسئله اصلاحات ارضی و بحث‌های ملازم آن، مانند شکل‌های قبلی مناسبات ارضی، اندیشه‌ها، قوانین و وقایع مربوط به مسائل اصلاحات ارضی در ایران از صدر مشروطه تا تحقق شکلی از اصلاحات ارضی در اوائل دهه ۱۳۴۰، تحولات اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک دهه ۱۳۳۰ ش در ایران و جهان، شدت‌گیری ضرورت‌های انجام اصلاحات ارضی، چگونگی و مراحل اجرای پروژه اصلاحات ارضی در دولت دکتر علی امینی و سپس اسدالله علم، و در نهایت نتایج و عواقب اجتماعی این اصلاحات در جامعه ایران و خاصه ارتباط مفروض آن با فروپاشی رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷، و سپس سیاست‌های دولت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در این خصوص و غیره، تا به حال مباحث و پژوهش‌های نسبتاً درخور توجهی را در داخل و خارج از کشور به خود اختصاص داده است. نویسنده و گردآورنده کتاب با ارائه سخنان و گفتارهایی از ارسنجانى و گزارش‌های مخبران جراید مختلف، مسئله را با تفصیل و توضیح درخور شرح داده‌اند. مضامین اصلی بحث ایشان در این فصل، بررسی پدیده اصلاحات ارضی به عنوان پروژه‌ای جهانی، ارائه برخی مباحثات در خصوص ریشه‌ها و سوابق اصلاحات ارضی نزد ارسنجانى و از جمله گزارش او به رزم‌آرا در این خصوص، برخی گزارش‌های ارسنجانى درباره وضعیت اصلاحات ارضی به دکتر علی امینی، و بررسی روند بروز اختلاف بین محمدرضا پهلوی و ارسنجانى و در نهایت استعفای او می‌باشد.

با این حال بحث اصلاحات ارضی، چون همانند مباحث پیشین کتاب از سازماندهی مشخصی پیروی نمی‌کند؛ بسیاری از چند صد صفحه مطلب مورد نظر، از لحاظ محتوایی به صورتی غیر مستقیم و پراکنده طرح شده و لهذا این امر سبب شده نوشته‌هایی چون "مظالم مالکان ایران" از اثر مهدی جعفرنیا (صص ۳۴۶-۳۴۴) یا مطالبی که تحت عنوان "۱۰۰ نکته از زسدگی ارسنجان" (صص ۵۴۳-۵۳۶) آورده شده، نکته محور اصلی بحث محسوب شود.

اگر بسیاری از مطالب مفصلی که تحت عنوان سخنرانی‌های ارسنجان، خاطرات اشخاص مؤثر در مسئله و یا مطلع از اوضاع آورده شده، همگی یا به گونه‌ای تلخیص می‌شد و یا در صورت اهمیت زیاد مانند برخی مصاحبه‌های ارسنجان - در قسمت انتهایی کتاب می‌آمد، نتایج کار بهتر می‌بود. متأسفانه از س ۴۱ تا پایان کتاب، بسیاری صفحات از وضعیت منسای بر خوردار نیستند. چرا که بنا به خصلت تبلیغی بسیاری از نطق‌های ارسنجان بسیاری مضامین در اکثر آن‌ها تکرار می‌شود.

تعییل به کار رفته در جمع کردن مطالب کتاب سبب شده تا بسیاری از دقایق امر بحث‌ناشده رها شوند. به عنوان مثال، در ص ۴۳۳ آمده است که قانون تهیه شده در زمان وزارت کشاورزی جمشید آموزگار، در اردیبهشت ۱۳۳۹، اجرایی نبود و سال‌های طولانی برای پیاده کردن آن وقت لازم بود. لذا ارسنجان "در همان اول اشتغال به وزارت به چهار نفر از صاحب‌منصبان وزارت کشاورزی، مأموریت داد جلساتی تشکیل داده و قانون مصوب مجلسین را مطالعه و در آن تجدید نظر و اشکالات اجرایی آن را مرتفع و نظریات وزیر کشاورزی جدید را به خصوص در قسمت شرکت‌های تعاونی و ایجاد تشکیلاتی به منظور جانشینی مالکانی که ملکشان تقسیم می‌شود، در آن ملحوظ دارند" این چهار نفر عبارت بودند از مهندس ارفع (مدیر عامل وقت سازمان جنگل)، مهندس امیر پرویز (مدیر کل اقتصاد وزارت کشاورزی)، مرحوم مهندس گل‌سرخ (مدیر کل وقت سازمان کشاورزی) و حسن رهبر (مدیر بنگاه خالصجات). اینان نظریات و تغییرات اساسی و مهم را نهایتاً به نظر ارسنجان رسانیده و گاهی خود وی در جلسه شرکت می‌کرد. (ص ۴۳۳). به نظر می‌رسد اگر تحلیل و تفسیری از شخصیت و افکار و سوابق هر یک از چهار نفر نامبرده ارائه می‌شد، طرحی که این افراد آن را نهایی کرده و اصلاحاتی که دربارهٔ پروژه اصلاحات ارضی در نظر داشتند - که در نهایت ارسنجان هم با آن موافق بود - راحت‌تر قابل ارزیابی می‌شد.

مسئلهٔ شروع تضاد شاه و ارسنجان و علل کناره‌گیری او از وزارت کشاورزی از دلمشغولی‌های عمدهٔ نویسنده است. بن‌مایهٔ اصلی تحلیل مؤلف در این باره، آسیب‌های شخصیت شاه است که ارسنجان را نتوانست تحمل کند و نسبت به وی دشمنی و حسادت ورزید. لذا او مهم‌ترین مانع بر سر



تداوم فعالیت ارسنجانی به شمار می‌رفت. این موضوع از طرح عنوان "برخورد شاه و وزیر" (ص ۴۲۹) شروع و به صورت مستمر طرح و تکرار می‌شود. اما ظاهراً موضوع قدری ساده شده است. بدون شک شیوه سلطنت محمدرضا شاه پهلوی که دخالت در حوزه‌های کاری مختلف حکومت بوده است در این باره هم تأثیری منفی داشته است، ولی آیا ارسنجانی با مشکلات دیگری که از عهده آن‌ها برنیامده باشد، مواجه نبوده است؟ شایسته است توجه شود در آن مقطع زمانی مشکلات سیاسی و اجتماعی در سطح کلان آنقدر حاد و بحرانی بوده است که کابینه‌ها مکرر سقوط کرده‌اند.

از جمله مباحثی که در این کتاب طرح ولی در توضیحش پاسخ درخور توجهی ارائه نشده آن است که ارسنجانی علی‌رغم میل امینی و شاه وارد کابینه شده است (ص ۳۶۳) اگر چنین بوده چه نیرویی او را وارد کابینه کرده است؟ آیا باید دلیل مؤلف را پذیرفت که حسن ارسنجانی چون شایسته‌ترین فرد در زمینه فکری و اجرایی طرح اصلاحات ارضی در ایران بوده است، چنین امری صورت گرفت که مطمئناً چنین نیست، چون در مدت اشتغال ارسنجانی به کار وکالت در بیشتر سال‌های دهه ۱۳۳۰، افراد دیگری روی پروژه اصلاحات ارضی کار و فعالیت می‌کردند. به عنوان مثال حتی فردی چون اسدالله علم در سال ۱۳۳۷ در راستای پی‌گیری اصول مرامنامه حزب مردم درباره اصلاحات ارضی و غیره سفری طولانی به امریکا انجام داد که هدف آن مطالعه در برنامه اصلاحات ارضی و سیستم‌های تولید کشاورزی و غیره بود و نتایج این سفر به صورت مفصل طی سخنرانی‌هایی در حضور اعضای حزب مردم ارائه شده است. افزون بر این، نویسنده کتاب به نقل از آقای جعفرنیا نویسنده زندگینامه دکتر امینی، آورده که جای ارسنجانی در وزارت کشاورزی نبود، لذا بعد از معرفی وی به وزارت همه تعجب کردند! گویا همه می‌خواستند دست و پای او را در وزارت مفلوک کشاورزی بند کنند تا حرف‌هایش یادش برود (ص ۳۶۶).

سخن‌نهایی آن که تحلیل موقعیت ارسنجانی در مقام وزارت کشاورزی و مجری طرح اصلاحات ارضی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. ظرافت‌های فکری و عملی شخص وی (با توجه سوابق سیاسی و مطبوعاتی‌اش) سبب گردید تا او بتواند مانورهایی را در جریان اجرای اصلاحات ارضی انجام دهد که تا حدی برگ‌های برنده وی نیز محسوب می‌شوند. وی مسئله اصلاحات را تا اندازه‌ای از حالت یک پروژه دولتی و رسمی به پروژه‌ای در سطوح بالاتر، در سطح آرمان‌های اجتماعی ارتقاء داد. اما باید به خاطر آورد که این ایام مرحله تحول جامعه ایران از شرایط اقتصادی-اجتماعی کهن به شرایط توسعه صنعتی و تجاری وابسته به مناسبات بازار جهانی نیز بوده است. ارسنجانی خود با چنین تحولی آشنا بود؛ او می‌گوید "... اجرای قانون [اصلاحات ارضی] اثر مستقیم در انتقال اقتصاد ایران از

دوره عقب‌مانده نیمه‌فئودالی به دوره بورژوازی دارد." (ص ۴۰۵) او این را آرزوی تحقق‌نیافته بورژوازی ایران در دوره رضاشاه که جنگ دوم جهانی آن را متوقف ساخت، می‌داند. (ص ۴۰۶) او نهضت ملی شدن صنعت نفت را چون از سوی بورژوازی حمایت می‌شد (ص ۴۰۶) ستوده و عامل شکست آن را فعالیت مالکان سنگر گرفته در ساختارهای سیاسی ایران می‌داند. "...اقتضای اقتصاد بورژوازی نوپای ایران دگرگونی بنیادین سیستم کهن اقتصادی کشور [مناسبت ارضی] بود. می‌خواست در اقصی نقاط مملکت حضور داشته باشد، بازار فروش ایجاد کند و بنابراین لازم بود که صورت عقب‌مانده قرون وسطایی زندگی روستایی را درهم‌شکند. می‌خواست کارخانه برپا کند و احتیاج به خریدار داشت و بنابراین باید قدرت خرید دهقان بالا می‌رفت که لازمه آن آزاد شدن دهقان و قدرت کارش از بند مالک بود. که همه این اهداف با منافع بزرگ مالکان مغایر بوده."

و اما درباره نتایج اصلاحات ارضی در ایران، علنی این وجه از موضوع که در کلیه مباحث مربوط به اصلاحات ارضی سعی در جداسازی جریان کار از نتایج تحقق‌یافته امر مزبور است. مسئله مسئولیت ارسنجانی در قضیه اصلاحات ارضی، مقوله‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور کرد و اگر هم فقط بخواهیم درباره آن قسمتی از برنامه که ارسنجانی برای اجرایش موانع ایام بعد را پیش رو نداشت سخن بگوییم. باز هم نکاتی سؤال‌برانگیز وجود دارد. در واقع پاره‌ای از منتقدان از همان موقع مسئله جایگزینی مدل‌های شرکت‌های تعاونی به جای نظامات و نهادهای اجتماعی موجود در روستاها را با توجه به محافظه‌کاری شدید نهادهای اجتماعی در روستاهای ایران فاقد بررسی‌های پایه‌ای می‌دانستند. خاصه اگر تعجیل و سرعت عمل ارسنجانی در این اجرای مسئله را نیز در نظر آوریم، تلازم توسعه فرهنگی و اجتماعی با توسعه اقتصادی نیز در این پروژه کمرنگ دیده می‌شود.

از سوی دیگر مسئله امکانات اجرایی و تدارکاتی این پروژه عظیم را باید مطرح کرد. در شرایطی که ارسنجانی برنامه اصلاحات ارضی را شروع کرد، به قول خود وی، دولت امکان کمک به این پروژه را نداشت (ص ۳۷۱)، و طرحی که وی ارائه نمود بر آن اندکی اضافه دریافت از کشاورزان در هر سال و سرمایه‌گذاری بانک کشاورزی متکی بود که انتظار می‌رفت نتیجه دلخواه را به دنبال بیاورد (ص ۳۷۲). در حالی که باید سوال کرد آیا ارسنجانی با طرح تمرکز سرمایه و مازاد تولید بسیار اندک روستاییان در شرکت‌های تعاونی در شرایط شکننده انتقال مناسبات اقتصادی جامعه به دوره تسلط مناسبات سرمایه‌داری در جامعه ایران، دست به عملی با مخاطرات زیاد نمی‌زد؟

چه به گفته او برنامه اصلاحات ارضی را فقط بر اساس امکانات محدود وزارت کشاورزی و بدون پیش‌زمینه قبلی در دولت شروع کرد، لذا جریان از نظر امکانات متعارف جهت اجرای کار در

سطح بسیار نازلی قرار داشت. در نتیجه انطباق و بهادسازی در دستگاه دولتی در جهت پیشبرد طرح و برنامه اصلاحات ارضی (ص ۳۷۰) با سرعتی که در اجرا دیده می‌شد، اندکی ناهمخوانی ناسنجیده را سبب می‌گردید. جالب آن است که نویسنده با نقل قولی از آقای جعفرنیا مولف زندگینامه دکتر امینی بر این نکته تأکید دارد که حتی ارسنجانی خودش طرحی جهت وزارت کشاورزی نداشت، چون وزارت آن‌جا به دور از انتظار شخص او بود! او یک دفعه هدف اصلی خود را متوجه اصلاحات ارضی کرد (ص ۳۰).

همان‌گونه که از این مرور گذرا برمی‌آید دکتر ارسنجانی در آئینه تاریخ به رغم سعی و تلاشی که در گردآوری و تدوین آن صورت گرفته از عهده طرح و توضیح جوانب بسیاری از زندگی و آراء شخصیت بحث‌برانگیزی چون حسن ارسنجانی بر نمی‌آید ولی با این حال ضمن آن که مدارک و داده‌های تا کنون ناشناخته‌ای را در این زمینه ارائه می‌کند، یادآور لزوم و ضرورت شناخت یک چنین پدیده‌ای نیز هست؛ پدیده‌ای که در یک مقطع خاص تاریخی در وجود شخص ارسنجانی و حرکتی که وی موجب آن گردید، تغییر و تحولی اساسی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی ایران معاصر به وجود آورد.



کتابخوانی ۲۳۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# سالنامه‌های گفتگو

۱ تا ۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

قیمت هر مجلد: ۲۰۰۰ تومان

## فورم اشتراک

فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو مجله‌ای است که از طریق مقالات، نقد و تفسیر اخبار به بررسی و ارزیابی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان می‌پردازد.

تکفروشی و حق اشتراک مهمترین منابع تأمین مخارج این نوع نشریات هستند. در صورتی که روش گفت و گو را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

### شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه (۴ جلد) در داخل کشور (با احتساب هزینه پست) دو هزار تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها چهار هزار تومان و برای محصلین و دانشجویان هزار و ششصد تومان.

متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را نقداً به نماینده مجله بپردازند و رسید دریافت کنند. یا وجه اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۶۷۸/۵ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام مراد ثقفی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کدپستی) به نشانی صندوق پستی مجله ارسال کنند.

نام و نام خانوادگی: .....

نشانی: .....

.....

.....

## فرم اشتراک دوسالانه

فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو مجله‌ای است که از طریق مقالات، نقد و تفسیر اخبار به بررسی و ارزیابی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان می‌پردازد.

تکفروشی و حق اشتراک مهمترین منابع تأمین مخارج این نوع نشریات هستند. در صورتی که روش گفت و گو را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

### شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه (۸ جلد) در داخل کشور (یا احتساب هزینه پست) چهار هزار تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها هشت هزار تومان و برای محصلین و دانشجویان سه هزار و دویست تومان.

متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را نقداً به نماینده مجله بپردازند و رسید دریافت کنند. یا وجه اشتراک را به حساب جاری شماره ۵/۵۶۷۸ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام مراد ثقفی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کدپستی) به نشانی صندوق پستی مجله ارسال کنند.

نام و نام خانوادگی: .....

نشانی: .....

.....

.....





# منتشر کرده‌است!

پژوهش‌های تاریخی

**حزب ایران**

مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها  
۱۳۳۲-۱۳۳۳

به کوشش مسعود کوهستانی‌نژاد

مجله علمی  
فلسفه اقتصاد

**برابری  
و آزادی**

آمارتیا سن  
حسن هشاری






مجموعه آثار  
مغایب میرزا

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مقاله‌های برگزیده

**اشرافیت**

جانانان بوویس  
فرزین آرام

از مجموعه

# قدم اول

## کامو

### قدم اول

لوئیس لویس بربریس - طراح : آگن گوردکوس  
مترجم : روزبه معادی



## کینز

### قدم اول

لوئیس پندراک - طراح : کریس گارنت  
مترجم : علی معتمدی هیرس





# جوپس

## قدم اول

لوپسندہ: لورڈ پروٹر - طراح: لوران لوتیک  
مترجم: منصورہ علی محمدی



# دکارت

## قدم اول

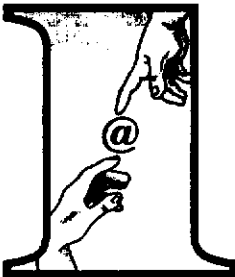
لوپسندہ: دیوڈ لہلسون - طراح: کریس گارت  
ترجمہ: مہدی شکیبا



# اینترنت

## قدم اول

لوپسندہ: لورڈ پروٹر - طراح: لوران لوتیک  
مترجم: علی محمد نفیس



# جامعہ شناسی

## قدم اول

لوپسندہ: ریچارد آلزون - طراح: بونین وانلون  
مترجم: راسم کریمیان



انتشر شیرازه منتشر کرده است:

# ماکیاولی

قدم اول

نویسنده: پائولو کالی - مترجم: استارز باراک  
ترجمه: سید حسینی و آریس



# دروشنگری

قدم اول

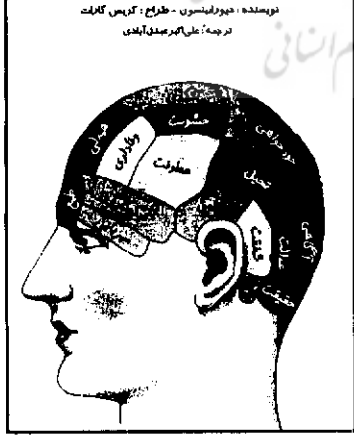
نویسنده: لوئیس پسر - مترجم: آندرز کرود  
ترجمه: سیدی شکیبا



# اخلاق

قدم اول

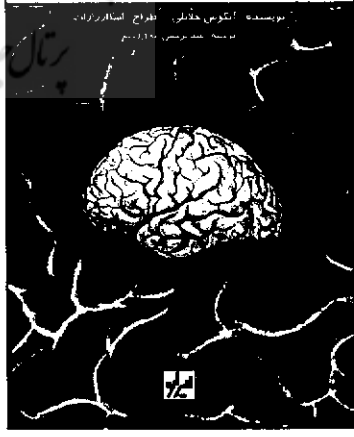
نویسنده: جیورجینوسو - مترجم: آریس گلرک  
ترجمه: علی اکبر سیدی آلفدی



# مغز و ذهن

قدم اول

نویسنده: آنتونی دانیل - مترجم: استارز باراک  
ترجمه: سید حسینی و آریس



ویژه کتاب و نشر

# جهان کتاب

از تازه ترین کتابهای انتشار یافته در  
داخل و خارج کشور با خبر شوید.  
نقدهای صاحب نظران را بر کتابهای جدید بخوانید.  
بهترین کتابها را برای مطالعه خود  
و نزدیکانتان انتخاب کنید.  
از مسائل نشر ایران اطلاع یابید.  
با اهل قلم آشنا شوید.

و با پیوستن به جمع مشترکان مجله جهان کتاب از  
تخفیفهای ویژه بهترین ناشران کشور بهره مند شوید.  
تهران. صندوق پستی ۱۴۷-۱۱۳۵۵ تلفن ۱۸-۸۷۳۴۵۱۷